

شورای شهر و موانع دستیابی

به نظرات واقعی شهروندان

مقاله شماره ۱۰۸

سهراب مشهودی

پائیز ۱۳۷۸

شورای شهر و موانع دست‌یابی به نظرات واقعی شهروندان

احیاء نقش مردم در تدوین برنامه‌ها و طرح‌های شهری و کسب و انعکاس نقطه‌نظرات آنها در طرح‌ریزی، از آمال بزرگ شهرسازان مردمیست.

این گروه از شهرسازان سعی می‌نمایند با روش‌های مختلفی به این مهم دست یابند. روش‌هایی مثل نظرخواهی از طریق پرسشنامه‌های مختلف، یاری جستن از داده‌های جامعه‌شناسی شهری، مطالع دقیق در سنن و آداب محلی و محلات مختلف شهر، مطالعه فرهنگ، قومیت، دین، مذهب زبان و اعمال نتایج آن در طرح‌ها، و انواع دیگر از این دست، که تماماً کوشش‌هایی است در این راستا و هیچگاه نیز کافی به‌نظر نمی‌آید. اگر نخواهیم بگوئیم همه، باید گفت اکثریت شهرسازان مردم‌گرا، یکی از بهترین عوامل در احیاء نقش مردم و نظرات آنها را در برنامه‌ریزی، هدایت و کنترل شهرها، برپائی شوراهای می‌دانند و همواره بر تشکیل آنها پای فشرده‌اند.

اکنون شوراهای تشکیل شده‌اند و شهرسازان با ارتباط با اعضای آن و کسب نظراتشان احساس می‌کنند (که با روش‌هایی نسبی، سهل‌تر از آنچه در گذشته اعمال می‌کردند) می‌توانند به کسب نظرات مردم و انعکاسشان در طرح‌ها دست یابند.

در واقع حالا این اعضای شوراهای هستند، که باید با اعمال روش‌های مناسبی، بتوانند به کسب نظرات واقعی مردم، برای انعکاس آنها در طرح‌ها (و در واقع احیاء نقش مردم) بپردازند و این عملی است بسیار مشکل، که نمونه‌هایی از مسائل آن به‌دنبال به نظرشان می‌رسد.

چند سال پیش در یک شهر کوچک، روشی نسبتاً عام برای نظرخواهی از مردم، موردعمل قرار گرفت. بدین ترتیب که طرح، در یک مکان عمومی به‌نظر همه مردم رسید و سپس از آنها خواسته شد، که نظرات خود را اعلام نمایند.

تعداد وسیعی نقطه‌نظر واصل شد، که نقدهای فراوانی بر طرح داشته و عملاً طرح را رد می‌کردند و برخورد شدیدتر به وسیله گروهی صورت گرفت، که به‌طور جمعی، دست به مخالفت زدند و حتی طوماری برعلیه طرح تهیه نمودند.

بسیار طبیعی بود که تهیه‌کنندگان طرح بخواهند از این نظرات در اصلاح طرح بهره‌جویند. لکن مغایرت این نقطه‌نظر با آراء جمع‌آوری شده در حین تهیه طرح که از طریق پرسشنامه‌ها و غیره اخذ شده بود، کاملاً مغایر بود.

مسئله از نظر علم آمار مورد بررسی واقع شد و گرچه تعداد پاسخ‌ها در حد تعداد ضروری برای نمونه‌برداری آماری بود، ولی تفاوت این بود که در نمونه‌برداری آماری روش‌های معینی به کار گرفته می‌شود، ولی

در شکل حاضر تنها کسانی که حاضر به ارائه نظریه بودند، مشارکت نمودند. بنابراین برای تکمیل نظرخواهی همان مباحث از طریق پرسش مستقیم (با انتخاب یکی از روش‌های آماری) از شهروندان صورت گرفت.

دوباره نتایج با پاسخ‌های اعلام شده (با تفاوت زیادی) مغایر بود. مطالعه دقیقی در مورد علل بروز مغایرت‌های یاد شده انجام شد که نتایج آنها را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱- اولین و شاید مهمترین عامل، این بود که مردم عادت ندارند، که اگر با موضوعی موافقت، تأیید خود را اعلام نمایند و یا حتی اگر نظرات مثبت و منفی دارند هر دو را ابراز دارند.

۲- بخش اعظم مردم اصولاً به زبان برنامه‌ریزی و طراحی شهری آشنا نیستند و در واقع عملاً به مسئله وقوف نمی‌یابند که بتوانند نظر واقعی خود را اعلام نمایند.

۳- قسمت بزرگی از نظردهندگان شامل زمین‌داران بزرگ، بنگاه‌داران و دلالان می‌باشند که نظراتشان برحسب منافع خصوصی خودشان تدوین می‌شود و نه منافع شهر.

۴- بخشی از نظردهندگان قادر به دیدن کلیت طرح نبوده‌اند و اثرات منفی برخی از تصمیمات را در مقابل اثرات مثبت کل آن نمی‌توانستند قرار دهند.

۵- اغلب منافع خصوصی خود را به منافع عمومی شهروندان و شهر ترجیح می‌دادند.

مثال: اگر تعریض معبری یک یا دو واحد را دچار خسارت سازد و ده‌ها نفر از آن سود برند، اعتراض‌ها اعلام، می‌شود ولی سودبرندگان، نظری نمی‌دهند.

۶- گاه منافع فردی شهروندان از منافع عام تمیز داده نمی‌شوند، برای مثال در یک محله وقتی از تک‌تک شهروندان سؤال گردید، آیا مایل هستید تراکم ساختمانی زمین شهر اضافه شود، پاسخ مثبت بود. ولی وقتی از جمع آنها پرسیده شد، آیا مایل هستید که تراکم محله شما اضافه گردد، همه مخالفت کردند.

بدین ترتیب معلوم می‌شود که نظرخواهی آن هم کسب نظرات واقعی شهروندان تا چه حد مشکل است. امر از این هم مشکل‌تر می‌شود، وقتی که توجه نمائیم نظرات مردم در طول زمان نیز ثابت نمی‌ماند و با تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی شهر (و شهروند) مرتباً تغییر می‌کند.

بنابراین برای اینکه مردم به شکل واقعی و دائمی بتوانند، در طرح‌ها اعمال نظر نمایند:

یک- باید طرح‌هایی تهیه کرد، که بسیاری از تصمیمات به زمان و اراده تصمیم‌گیرندگان آتی سپرده شود. زمان‌هایی که داده‌های دست‌نیافتنی زمان تهیه طرح و نامعلومی‌هایی که تنها در آینده تکلیف آن روشن می‌شود، مرتفع شوند و در آن مردم با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی همان زمان نظرات جدیدی خواهند داشت.

شاید با درس گرفتن از روش‌هایی که شهرهای قدیمی را شکل می‌داد و هر شهروند، تنها با رعایت آداب و رسوم و معیارهای ناشی از آنها (بدون طرحی از پیش اندیشیده) به توسعه شهری می‌پرداخت، بتوان به این مهم دست یافت.

معیارها و راهبردهائی مثل لزوم عدم انسداد راه عبور آب، عدم اشراف به حیاط همسایه، عدم بن‌بست کردن کوچه در شهری مثل شوشتر، که جریان هوا ضروریست (و درست برعکس راهبردهایی که در دیگر شهرها پس از طول خاصی کوچه را بن‌بست می‌کرد). عدم بهره‌وری مردم از فضاهای خصوصی مسکونی دیگر شهروندان و درست برعکس در شهری مثل ماسوله، به علت شرایط پستی و بلندی ویژه آن، عدم امکان بستن برخی از فضاهای خصوصی مثل سقف منازل بر سر راه حرکت مردم و یا محدود کردن ارتفاع هر بنا تا حدی که دید واحد بالاتر را مسدود نکند.

دو- قطعی است که طرح‌های صلب و خشک امروزی، که حتی برای اندازه بالکن‌های مردم تا آخر دوره طرح تصمیم‌گیری می‌نمایند، نمی‌توانند، این مهم را ممکن سازند و بنیادهای طرح‌های فعلی و نظام کنترل و هدایت آنها باید تغییراتی بنیادین یابد. تا اعضای شوراهای شهر بتوانند هرچه سریع‌تر به انعکاس نظرات مردمی در آنها در طول زمان قادر گردند.

سه- به علاوه شوراها باید بتوانند سره را از ناسره، مردم را از دارندگان منافع خاص، نظرات اکثریت موافق خاموش را، از گروه اندک دارای منافع خاص هیاهوگر، تشخیص دهند و نظرات واقعی و عمومی مردم را باز شناسند.